

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دومینکو لوسوردو
برگردان از: خ. طه‌وری
فرستنده: علی مشرف
۱۰ نومبر ۲۰۱۹



دومینکو لوسوردو

وقتی نیروهای چپ در صحنه نیستند ...

۷. «وضوح» تصویرها و استفاده مستقل از مقوله‌ها

سازوکار علیه لیبیای قذافی ما را با شکل افشاگر دیگری از «جنگ انسان‌دوستانه» روبه‌رو کرد. در آغاز، روند این سازوکار مطابق با تحلیل ذکر شده بود. مسأله در وهله اول بر سر این بود که واقعیت و اژگونه جلوه داده شود، به این صورت که هدف مورد نظر اول زیر بمباران خشم و برافروختگی قرار گرفته و سپس به وسیله نیروی هوایی واقعاً بمباران شود. طبیعتاً در سال ۲۰۱۱ در خاورمیانه اوضاع و رفتارهایی که باعث نگرانی‌های انسان‌دوستانه و برآشفته‌گی‌های اخلاقی شود، کم نبود. از یک طرف کشورگشایی استعماری و «نژادسالاری» اسرائیل که بی‌وقفه ادامه داشت و از طرف دیگر درد و رنج خلق فلسطین که زیر اشغال نظامی درازمدت و بی‌نظیری در تاریخ قرار داشت:

مردم فلسطین همواره با این خطر روبه‌رو بودند و هستند که دستگیر شوند و یا در اردوگاهی زندانی گردند و یا بدون مجوز قانونی و حقوقی تنها بنا بر تصمیم اشغالگران اعدام شوند. کوشش برای فعال ساختن شورای امنیت برای ابراز نگرانی و یا سرزنش این وضعیت با وتوی ایالات متحده آمریکا مواجه می‌شد. در این مورد مشخص و آشنگتن حتی یک انتقاد ضعیف، بدون پی‌آمدهای نظامی و اقتصادی و دیپلماتیک را غیرقابل تحمل احساس می‌کند.

...

حقیقت این است که ناوگان پنجم ایالات متحده در بحرین مستقر بوده و هست و در نتیجه سکوت در مورد اسرائیل باید اجباراً روابط با بحرین و عربستان سعودی را نیز شامل شود. اخباری که این امر را نقض کرده و باعث

انحراف انظار عمومی می‌شد، اجباراً ممنوع بود. وظیفه انسان‌دوستانه می‌بایست به فوریت خود را تنها روی مناقشه‌ای که در لیبیا صورت می‌گرفت، متمرکز کند.

و در اینجا پرده دوم جنگ روانی مورد استفاده قرار گرفت و آن سیاه و سفید نشان دادن مناقشه در این کشور شمال افریقایی بود. با وجود همه این‌ها در مقابل واقعیات، روند تعریف و تجلیل شورشیان ضد قذافی با اشکالاتی روبه‌رو بود. اینجا و آنجا مطبوعات غربی در بین شورشیان شاهد حضور گروه‌هایی شدند که در رابطه با اصولگرایان اسلامی قرار داشتند و مخالف شدید آزادی زنان که از دست‌آوردهای انقلاب ضداستعماری بود، بودند. حتی در یک روزنامه معتبر امریکائی آمده بود: «شورشیان اسرای جنگی سیاهپوست را به قتل رساندند، زیرا آن‌ها مزدور بودند.»

سیاهپوستان افریقائی که ارتباطی با این مناقشه نداشتند نیز لینچ شدند و یا از کشتی‌هایی که دولت‌های اروپائی برای تخلیه مردم غیرنظامی آماده کرده بودند، به بحر ریخته شدند. آری یک منبع غیرقابل تردید دیگر نیز تأیید کرد که «مهاجران غیرمسلح افریقائی از طرف مخالفان قذافی با مزدوران در خدمت رژیم اشتباه گرفته شده» و به قتل رسیدند.

به طوری که از مقاله‌ای در روزنامه «کوریر د لا سرا» می‌توان برداشت کرد، رفتار شورشیان در قبال مردم لیبیا بحث‌انگیز بود: «در سردرگمی عمومی دستبرد به دکان‌ها و منازل نیز صورت می‌گرفت. این امر در رستوران "الفیصل" که شورشیان تلویزیون و لحاف و دشک آن را دزدیدند و آشپزخانه و راهروهای آن‌را به زباله‌دانی مبدل کردند، قابل رؤیت بود.»

در مورد رفتاری که در قبال نفرات ارتش قذافی اعمال شد، مایلم تنها به مقاله‌ای که روز ۲۶ اگست ۲۰۱۱ در روزنامه هالد تریبیون منتشر شد، اکتفا کنم:

«در انباری در مرکز طرابلس اجساد بیش از ۳۰ نفر از هواداران قذافی که با گلوله سوراخ سوراخ شده بودند، یافته شد. حداقل دو نفر از آن‌ها دستبندهای پلاستیکی داشتند و این‌طور به نظر می‌رسید که آن‌ها اعدام شده اند. در بین این کشته شدگان ۵ نفر در بیمارستان صحرائی یافته شدند؛ یکی روی برانکارد یک آمبولانس با تسمه بسته شده بود، که سوزن یک سرم وریدی را هنوز در بازوی خود داشت.»

این‌طور که مشهود است فاکت‌های تجربی که سیاه و سفید نشان دادن مناقشه را نفی می‌کند به حد کافی موجود است. ولی این فاکت‌ها بدون هر نوع ملاحظه‌ای نابود شد و یا مورد اغماض قرار گرفت:

مسئله این بود که به هر قیمت این باور گسترده شود که مسؤول هر نوع پستی و رذالتی این «دیکتاتور» است که غرب به خاطر وظیفه اخلاقی خود باید او را بمباران کرده و به قتل رساند.

قبل از هر چیز می‌بایست این واقعیت پنهان می‌شد که سازمان‌های جاسوسی غرب بدون مجوز شورای امنیت ملل متحد خیلی زودتر از کشف «شرارت‌های» قذافی در لیبیا مشغول فعالیت بودند. «ساندی میرو» روز ۲۰ مارچ ۲۰۱۱ افشاء کرد که «از سه هفته پیش صدها» سرباز انگلیس که از اعضای یکی از مخوف‌ترین و موذی‌ترین قطعات ویژه جهان Special Air Service SAS بودند، در لیبیا مشغول به کار اند. در بین آن‌ها یک قطعه ویژه وجود داشت، که «به خاطر توان ویرانگر آن Smash نامیده می‌شد.» در نتیجه تجاوز قبلاً آغاز شده بود، به ویژه به این خاطر که به دستور «دولت اوپاما» «گروه کوچکی از افراد سازمان سیا» تشکیل شد که در چارچوب یک «نیروی گسترده غربی که در خفا عمل می‌کند» «قبل از آغاز خصومت‌ها در ۱۹ مارچ» با صدها سرباز انگلیس همکاری کرده و «به شورشیان کمک نمود تا ارتش قذافی را بی‌رمق نماید.» این عملیات از این نظر دارای اهمیت

ویژه‌ای بود، زیرا در منطقه طرابلس و منطقه بی‌ثبات برقه یعنی محلی که نفاق کهنه قبیله‌ای وجود داشت، صورت می‌گرفت. و علاوه بر آن، عملیاتی بود که دارای سابقه طولانی بود:

به نظر «آبزور»، سازمان‌های جاسوسی انگلیس از سال ۱۹۹۶ در صدد بودند «سرهنگ قذافی را به قتل رسانند» و برای رسیدن به این هدف حاضر بودند «مبالغ‌هنگفتی در اختیار هسته‌های القاعده در لیبیا قرار دهند.» و به قول روزنامه‌انترناشنال هرالد تریبیون، این دولت اواما بود که ۱۴ روز بعد امیدواری خود را اعلام کرد که «گلوله‌ای و یا موشکی به ۴۰ سال حکومت دیکتاتوری پایان بخشد.»

اگر با وجود همه این‌ها این اطلاعات می‌توانست به بیرون درز کند، به وسیله انبوه بی‌شمار گزارشات مشاطه شده و اطلاعاتی‌های تبلیغاتی و دروغ، خفه و خنثی می‌شد. تنها تعداد محدودی از افراد که بی‌علاقه نبودند از این اطلاعات استفاده انتقادی کنند، می‌توانستند به بخش‌هایی از این حقیقت دست یابند. ولی اصولاً تردید در این نیست که تعبیر رسمی این مناقشه سیاه و سفید جلوه دادن آن بود.

برای به غلیان آوردن برافروختگی و آغاز جنگی که غرب از مدت‌ها پیش در انتظار آن نشسته بود، نیاز به وجود دود اسلحه بود.

...

ولی با این حال سازوکار دخالت در امور لیبیا پایان نگرفت، بلکه به عکس، روز ۲۰ مارچ ۲۰۱۱ هنگامی که روزنامه کوریر د لا سرا تصویر هواپیمای آتش گرفته و در حال سقوطی را بر فراز بن‌غازی منتشر کرد، به اوج خود رسید. هم‌تینتر تصویر و هم مقاله مربوط به آن از یک «شکاری» که در جنگ با رژیم قذافی به وسیله «خلبان باتجربه‌ای» که به گروه شورشیان تعلق داشت هدایت می‌شد و با یک موشک زمین به هوای قذافی مورد اصابت قرار گرفته بود، سخن می‌گفتند. لذا این‌طور که معلوم بود شورشیان اصلاً نه بی‌دفاع و نه غیر مسلح بودند و حتی از سلاح‌های تهاجمی پیشرفته و همین‌طور از پرسنل با تجربه‌ای برخوردار بودند.

همه این‌ها می‌بایست ایدئولوژی جنگی ناتو را که بمباران‌های خود را عملیات انسان‌دوستانه جهت نجات مردم غیرنظامی و بی‌دفاع از یک قتل‌عام مهلک اعلام می‌کرد، دچار اشکال کند. ولی اکنون «ادعای ساده و خالص و فارغ از هر نوع تأمل و اثبات» آن‌طور که «له‌بون» توصیه کرده بود، به کار گرفته شد: از این پس تکرار مکرر دگم‌های ایدئولوژی جنگی و نه تکرار تصویر شکاری در حال سقوط شورشیان که همه آن دگم‌ها را به یک باره بی‌اعتبار می‌کرد، در دستور کار قرار گرفت و به این صورت دگمی که علناً باطل بود به وسیله نیروی تحمیق تا آن لحظه ناشناخته‌ای ضربه‌ناپذیر شده و تثبیت گردید. بانگی که اینجا و آنجا به گوش می‌رسید و به قبول خرد و منطق دعوت می‌نمود، بسیار بی‌رُمق به نظر می‌آمد. حقوق‌دانی طی مقاله‌ای در روزنامه فرانکفورتر آگماینه سایتونگ نوشت: «معارضان شورشی که تا چند ساعت پیش نانوا و کفاش و یا معلم بودند، غیرنظامی محسوب نمی‌شوند.» از این‌رو فیلسوف امریکائی «مایکل والزر» تأکید کرد: صحبت کردن از "دخالت انسان‌دوستانه برای جلوگیری از یک قتل‌عام» بی‌معنی است.:

قدرت آتش رسانه‌ای غرب و ناتو دست‌آوردهائی داشت که حتی «له‌بون» نمی‌توانست متصور شود. آن‌ها توانستند فرضیه‌ای را تحمیل کنند که نه تنها ثابت نشده بود، بلکه حتی در مقابل «سند» تصویری یک شکاری جنگی که به وسیله «باتجربه‌ترین» خلبان شورشیان هدایت می‌شد، قرار داشت. به هر حال پس از حمله ناتو، لیبیا در مقابل دشمنان خود که آن را بی‌هیچ مجازاتی بمباران کردند و هزاران شهروند لیبیائی (اغلب شهروندان غیرنظامی) را به قتل رساندند، بدون این‌که خود مورد خطر ضربه قرار گیرند، بی‌دفاع و بی‌سلاح ماند. با این حال دگمی که از

سوی متروپول‌های اروپائی اعلام شده بود صادق بود، زیرا یک دگم بود. به سخن دیگر: لیبیای قذافی در مقابل بمباران‌های رسانه‌ئی غرب و استفادهٔ اختیاری مقوله‌ها از سوی غرب مانند بمباران‌های واقعی بی‌دفاع ماند.

برای مطالعهٔ این اثر ارزنده به این نشانی مراجعه

کنید: <http://www.edalat.org/ketabkhaneh/VaqtiNirouhayeChapDarSahnehNistand.pdf>

<http://www.edalat.org/ketabkhaneh/VaqtiNirouhayeChapDarSahnehNistand.pdf>